

مولفه‌های انطباق پذیری زوجین در بحران پاندومی کرونا: یک مطالعه کیفی
Investigation of Adaptability Components of couples in Corona Pandemic crisis:
A qualitative study

Sahar Mellatkah

M.A. student of career counselling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Mojtaba haghani zemydani

PhD candidate of counselling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Samaneh Khazaei

Assistant Professor., Department of Psychology., Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.

Hossein Ilanloo*

PhD candidate of counselling, Kharazmi University, Tehran, Iran.

hosseinilanloo@gmail.com

سحر ملت خواه

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مجتبی حقانی زمیدانی

کاندیدای دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

سمانه خزاعی

استادیار روان شناسی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

حسین ایلانلو (نویسنده مسئول)

کاندیدای دکتری مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Abstract

The COVID-19 epidemic and its health, social and economic consequences have brought about dramatic changes in the daily lives of families and couples. The aim of this study was to investigate the adaptability components of couples in the corona pandemic crisis. The present study was a qualitative study with a descriptive phenomenological method. The participants of the study were 12 couples from compatible couples in region 1 of Zanjan city in the spring of 2020, which were selected and sampled to the extent of information saturation based on the purposeful method. Data collection was done through semi-structured and in-depth interviews on tape and all content (word for word) was put on paper. Data analysis was performed using Colaizzi's seven-step method. A total of 12 interviews, 362 basic codes, 28 basic concepts, 10 sub-themes, and 4 main themes including "interactive dynamics", "responsiveness", "coherence" and "integrity" were extracted. The results of this study showed that although the coronavirus crisis has affected marital well-being; But it has created positive consequences in the motivation of couples to protect their relationships, and with the increase of these positive components, we will see the flourishing of their interactions.

Keywords: Adaptability, Couples, Covid-19, Phenomenological Study.

چکیده

همه گیری COVID-19 و پیامدهای بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن تغییرات چشمگیری را در زندگی روزمره خانواده‌ها و زوجین رقم زده است. این پژوهش با هدف بررسی مولفه‌های انطباق پذیری زوجین در بحران پاندومی کرونا انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی و با روش پدیدارشناختی توصیفی انجام شد. مشارکت کنندگان پژوهش ۱۲ زوج از زوجین سازگار منطقه ۱ شهرستان زنجان در سه ماهه بهار ۱۳۹۹ بودند که بر اساس روش هدفمند ملاکی، انتخاب و نمونه‌گیری تا حد اشباع اطلاعات، ادامه یافت. گردآوری داده‌ها، از طریق مصاحبه نیمه ساخت یافته و عمیق بر روی نوار ضبط و تمامی محتوا (کلمه به کلمه) بر روی کاغذ آورده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شد. در مجموع از تعداد ۱۲ مصاحبه، ۳۶۲ کد اولیه، ۲۸ مفهوم اولیه، ۱۰ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی شامل "پویایی‌های تعاملی"، "پاسخگو بودن"، "انسجام" و "یکپارچگی" استخراج شد. نتایج این مطالعه نشان داد اگرچه بحران ویروس کرونا، بهزیستی زناشویی را تحت تاثیر قرار داده؛ اما پیامدهای مثبتی در انگیزه زوجین برای حفاظت از روابط خود ایجاد نموده است که با افزایش این مولفه‌های مثبت، شاهد شکوفایی تعاملات آنها خواهیم بود.

واژه‌های کلیدی: انطباق پذیری، زوجین، کووید-۱۹، مطالعه پدیدارشناسی.

ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۰

پذیرش: شهریور ۱۴۰۰

دریافت: خرداد ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

ویروس کرونا به عنوان یک بیماری عالم گیر^۱ در کنار تمامی تغییراتی که در عرصه‌های گوناگون ایجاد کرده، خانواده‌ها را نیز در تمامی مراحل چرخه رشد، تحت‌تاثیر قرار داده است (رولاند^۲، ۲۰۲۰؛ سیم^۳، ۲۰۲۰؛ گانت، سووین، پاترا و آمت^۴، ۲۰۲۰؛ استنلی و مارکمن^۵، ۲۰۲۰). به دنبال گسترش این ویروس و اعمال سیاست‌های فاصله اجتماعی^۶ محدودیت‌های زیادی در توانایی افراد در ارتباطات اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های روزانه ایجاد شده است؛ این اقدامات محدود کننده، افراد را از شبکه‌های حمایتی^۷ خود جدا کرده (بروک و لیفر^۸، ۲۰۲۰؛ وانباول و همکاران^۹، ۲۰۲۰) و آن‌ها را با فرآیندهای منفی و عملکرد ضعیف‌تر در روابط مواجه کرده است (چائو، عالم، لارسون و لین^{۱۰}، ۲۰۲۰). یکی از چالش‌های مهم این عامل استرس‌زای منحصربه‌فرد، حفظ روابط صمیمی مناسب است که به طور جدایی‌ناپذیری با سلامت عاطفی و جسمانی مرتبط هستند (پیترموناکو و اورال^{۱۱}، ۲۰۲۰). در طول پاندمی، خانه‌ها ممکن است به گلخانه تعاملی^{۱۲} در طول زمانی تبدیل شوند که امکان محدودی برای فرار به دنیای خارج وجود دارد (لیو^{۱۳}، ۲۰۲۰). روابط خانوادگی ممکن است به دلیل این نزدیکی اجباری - در نتیجه اقدامات قرنطینه - پرتنش شود. پیامدها و عواقب این مشکلات به احتمال زیاد طولانی‌مدت خواهد بود و این مساله تا حدی به این دلیل است که مخاطراتی در ساختارها و فرایندهای خرده‌نظام‌ها، به طور ویژه خرده نظام زن و شوهری و همچنین کلیت خانواده، نفوذ خواهد کرد. چالش‌های این همه‌گیری، قدرت سازگاری و انعطاف‌پذیری خانواده‌ها را به طور جدی و به روشی بی‌نظیر، محک می‌زند (استنلی و مارکمن، ۲۰۲۰).

از سویی در حالی که این همه‌گیری، ناامنی و عدم اطمینان را به ارمغان آورده است؛ راه‌های جدیدی نیز برای بودن و رفتار کردن وجود دارد؛ در واقع در دل چالش بزرگ ویروس کرونا، فرصت‌های زیادی هم برای زوجین و خانواده‌ها وجود دارد؛ فرصت‌هایی همچون افزایش نزدیکی و صمیمت اعضا، عمیق‌تر شدن روابط و حل گروهی مسائل (گونتر بل و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۰). بسیاری از زوجین و خانواده‌ها دارای ساختارها و الگوهای ارتباطی منعطفی هستند که در مدیریت بحران‌ها و انطباق با رویدادهای چرخه زندگی به آن‌ها کمک می‌کند (مستین و نارایان^{۱۵}، ۲۰۱۲). درواقع همانطور که کوهن و کول^{۱۶} (۲۰۰۲) نیز خاطرنشان کرده‌اند، بحران‌ها و رویدادهای تهدیدکننده زندگی ممکن است به افراد انگیزه دهد تا در مورد مهم‌ترین و نزدیک‌ترین روابط خود اقدامات محافظتی جدی انجام دهند. سینک و سیم^{۱۷} (۲۰۲۱) هم متذکر شده‌اند که در این گونه رویدادها، بسیاری از خانواده‌ها - به جای شکست و از هم پاشیدن - به دنبال اقدامات مقابله‌ای و کنار آمدن با این وضعیت‌های دشوار هستند. در این پاندمی، در کنار خانواده‌های متعارض، سایر خانواده‌ها و زوجین ممکن است تاب آوری^{۱۸} یا رشد را تجربه کنند و نه تنها توانایی بقا بلکه رشد در مواجهه با این فاجعه را در خود پرورش دهند (کالهن و تدیشی^{۱۹}، ۲۰۱۴).

- 1 . pandemic
- 2 . Rolland
- 3 . Sim
- 4 . Gunthe, Swain, Patra & Amte
- 5 . Stanley & Markman
- 6 . social distance
- 7 . support networks
- 8 . Brock & Laifer
- 9 . Van Bavel et al.
- 10 . Chu, Alam, Larson & Lin
- 11 . Pietromonaco & Overall
- 12 . hothouse of interaction
- 13 . Lebow
- 14 . Gunther-Bel et al.
- 15 . Masten & Narayan
- 16 . Cohan & Cole
- 17 . Singh & Sim
- 18 . resilience
- 19 . Calhoun & Tedeschi

این امر به توانایی انطباق پذیری با تغییرات حاصله از این بحران در مقیاس زندگی فردی و خانوادگی بستگی دارد (گالیا، مارچانت و لوری^۱، ۲۰۲۰).

انطباق پذیری نظام خانواده و توان آن برای رشد و خودشفابخشی، نقش مهمی در مهندسی تغییرات توسط خانواده دارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۱۳). السون، بل و پورتنر^۳ (۱۹۹۲) معتقدند خانواده‌ها و زوج‌هایی که انطباق پذیری لازم را دارند، می‌توانند در هر جهتی که موقعیت، مرحله چرخه زندگی و یا جامعه پذیری ایجاب می‌کند، حرکت کنند. ارتباط سازنده، حل تعارض و مهارت‌های حل مساله فرآیندهای واسطه‌ای کلیدی مرتبط جهت برخورد و تعامل سازنده با رویدادهای استرس‌زایی همچون این همه‌گیری است که از مولفه‌های مهم انطباق پذیری به شمار می‌روند (دام و سیچتی، اینهارکنس و هایدن^۴، ۲۰۱۸). اگر خانواده‌ها و زوج‌ها سطح مناسبی از پیوستگی، انطباق پذیری و ارتباطات را در روابط خود داشته باشند، می‌توانند در مواجهه با مشکلات عملکرد مناسبی نشان دهند؛ درواقع یکی از ویژگی‌های خانواده‌های سالم، برخورداری از انعطاف پذیری و انطباق با شرایط عادی و در مواجهه با معضلات ناشی از رشد و تکامل و همچنین بحران‌های غیرمنتظره است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۱۳). تحقیقات قبلی نشان داده است که برخی از زوج‌ها در مواجهه با تجربیات استرس‌زا، می‌توانند کیفیت رابطه را حفظ کنند و با شرایط منطبق شوند. به عنوان مثال، درحالی‌که وقایع منفی زندگی، مانند سرطان (بدر و احمد^۵، ۲۰۲۰؛ مانه، استروف، رینی، فاکس، گلدشتاین و گرانا^۶، ۲۰۰۴)، مرگ یک کودک و تجربه یک فاجعه طبیعی می‌تواند برای روابط زناشویی مضر باشد، در برخی از زوج‌ها، این مسائل نمی‌تواند بر رابطه آن‌ها تاثیر منفی بگذارد. ویلکاکس^۷ (۲۰۱۱) از یک نظرسنجی ملی از آمریکایی‌ها که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ برای مطالعه اثرات رکود بزرگ انجام شده بود، استفاده کرد و متوجه شد که بسیاری از مردم گزارش دادند که تعهد خود به ازدواج را عمیق‌تر کرده و تعداد قابل توجهی از مردم، طلاق را به تعویق انداخته یا آن طرح‌ها را متوقف کرده‌اند. نتایج پژوهش بالزارینی و همکاران^۸ (۲۰۲۰؛ به نقل از استنلی و مارکمن، ۲۰۲۰) گویای این مطلب است که افرادی استرس بیشتر در ارتباط با کروناویروس را گزارش می‌کردند، که از کیفیت روابط پایین‌تری برخوردار بودند و از درگیری بیشتر با شریک زندگی خود اظهار نارضایتی می‌کردند. با این حال، وقتی این افراد شریک زندگی خود را بیشتر پاسخگوی نیازهای خود می‌دیدند، گزارش کردند که این حالات کاهش یافته است. نتایج پژوهش لواندوفسکی^۹ (۲۰۲۰) در مورد زوجین در قرنطینه نشان داد که بیشتر افرادی که زندگی صمیمانه و سازگارانه داشتند روابط آنها تا حد زیادی بدون تغییر بوده است و برخی دیگر اظهار داشتند که روابطشان بهتر شده است.

در یک جمع‌بندی باید گفت اگرچه بحران کرونا به سلامتی و بهزیستی افراد، زوجین و خانواده‌ها آسیب رسانده؛ اما همچنین ممکن است نتایج مثبتی در انگیزه زوجین برای محافظت از روابط خود داشته باشد. در حالی که ارزیابی نظامند روابط خانوادگی و تعاملات زناشویی در این همه‌گیری مورد نیاز است، ظرفیت درگیر شدن در ارتباط موثر، حل مساله و مقابله‌های موثر در مواجهه با رویدادهای استرس‌زای این چینی برای حفاظت از بقاء و رشد سیستم خانواده حیاتی است. از آنجایی که اکثریت مطالعات انجام شده در طول دوره پاندمی کرونا به جنبه‌های آسیب‌شناختی و منفی این پدیده تمرکز کرده‌اند؛ انجام پژوهش‌های این چینی نویدبخش توجه به فرصت‌ها در دل تهدیدهاست؛ لذا به منظور گسترش درک از نحوه سازگاری زوجین در دوره همه‌گیری بیماری، پژوهش حاضر درصدد است تا به مطالعه راهبردهایی بپردازد که این زوجین در تعاملات موفق و مثبت‌شان به آنها اهتمام ورزیده‌اند؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر مولفه‌های انطباق پذیری زوجین در بحران پاندمی کرونا را با استفاده از روش تحقیق کیفی مورد بررسی قرار داده است.

روش

1. Galea, Merchant & Lurie
2. Goldenberg & Goldenberg
3. Olson, Bell & Portner
4. Doom, Cicchetti, In Harkness & Hayden
5. Badr & Ahmad
6. Manne, Ostroff, Rini, Fox, Goldstein & Grana
7. Wilcox
8. f et al.
9. Lewandowski

پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی است که به توصیف تجارب زیسته زوجینی که تجربه انطباق‌پذیری و سازگاری را در دوران بحران پاندمی کرونا داشتند، پرداخته است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۲ زوج از زوجین سازگار منطقه ۱ شهرستان زنجان در سه ماهه بهار ۱۳۹۹ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و براساس ملاک‌های ورود به پژوهش، جهت شرکت در پژوهش انتخاب شدند. در بررسی‌های پدیدارشناسی، تا زمان اشباع در مورد مفهوم پدیده مورد بررسی بایستی نمونه‌گیری ادامه یابد؛ تا جایی که با افزایش حجم نمونه، حجم اطلاعات افزوده شده چشمگیر نباشد (ون منن^۱، ۲۰۰۶). در این پژوهش، اشباع اطلاعات تا ۱۰ نفر به طول انجامید؛ برای اطمینان دو مصاحبه اضافه انجام و درنهایت با ۱۲ مصاحبه، جمع‌آوری داده‌ها به اتمام رسید. سپس به منظور رفع تورش در دیدگاه و استنباط فردی خود در تشخیص اشباع اطلاعاتی، افزون بر ادامه نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی، داده‌های گردآوری شده از آزمودنی‌ها در اختیار ۳ پژوهشگر حوزه تحقیق کیفی در رشته مشاوره قرار داده شد و تا تأیید کفایت اطلاعات گردآوری شده توسط هر ۳ نفر، نمونه‌گیری ادامه یافت. معیارهای انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل این موارد بود: دامنه سنی ۲۵-۵۵ سال، عدم ابتلا به هرگونه مشکل یا بیماری جسمی و روانی مشهود، داشتن توانایی در بیان احساسات و نظرات و انتقال مناسب آن‌ها و تمایل به شرکت داوطلبانه در پژوهش. ملاک‌های خروج نیز عبارتند بودند از: نامفهوم بودن صدای ضبط شده از مصاحبه، عدم تمایل افراد شرکت‌کننده به ادامه همکاری در هر زمان از اجرای پژوهش، داشتن انگیزه‌هایی غیر از بیان تجارب زیسته در مورد پدیده مورد بررسی. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد که با توجه به سؤالات کیفی پژوهش و متمرکز بر تجارب زوجین از انطباق‌پذیری، سازگاری و تعاملات مثبت‌شان، طراحی و اجرا گردید. قبل از مصاحبه اطمینان حاصل شد که شرکت‌کنندگان در پژوهش با موضوع درگیری داشته‌اند و تجارب در این زمینه داشتند. همچنین، بررسی شد که مصاحبه‌شونده با موضوع ارتباط برقرار کرده و قصد بیان تجارب خود را دارد. سؤالات با توجه به موضوعات تحت بررسی براساس راهنمای مصاحبه آورده شد. نوع سؤالات از نوع کاوشی بود. نمونه‌ای از سؤالات شامل: "ارتباطات مثبت و سازنده‌ای را که با همسران در دوره قرنطینه و بیرون‌کرونا تجربه کردید، برای محقق بازگو کنید؟"، "بهترین تجارب شما از داشتن ارتباط سازنده و سازگار با همسران را توضیح دهید؟" بود. در مواردی که شرکت‌کننده در توصیف تجربه خود دچار مشکل می‌شد، محقق سؤالات پیگیری را به منظور شفاف‌سازی مطرح نمود و تا زمانی که، شرکت‌کننده، تجربه خود را کاملاً توصیف می‌نمود، مصاحبه پایان‌یافته، تلفی می‌شد.

در ابتدای مصاحبه پژوهشگر به معرفی خود و موضوع تحقیق پرداخت. با هر فرد یک جلسه مصاحبه انجام شد و جهت تحلیل اطلاعات، بلافاصله مطالب ضبط شده هر مصاحبه، کلمه به کلمه روی کاغذ برگردانده و مجدداً با مطالب ضبط شده، مقایسه و در موارد ابهام، دوباره، به شرکت‌کننده مورد نظر، مراجعه می‌شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کولایزی^۲ استفاده شد که شامل هفت مرحله خواندن توصیف‌های شرکت‌کنندگان از پدیده، استخراج جملات اصلی از دست‌نوشته‌های اولیه، بازگو کردن معنای اصلی هر جمله، سازماندهی مجموع معانی شکل گرفته در خوشه‌هایی از طبقات، نوشتن توصیف جامع توسط محقق، بازگردانی به شرکت‌کنندگان جهت مقایسه با توصیف آنان از پدیده، و اصلاح و تغییر یافته‌ها در صورت بوجود آمدن داده‌های جدید در مرحله تغییر است.

به منظور دستیابی به صحت و اعتبار مطالعه معیارهای اعتبارپذیری^۳ و اعتمادپذیری با روش لینکلن و گوبا^۴ (۱۹۹۴)؛ به نقل از کوپ^۵، (۲۰۱۴) مورد توجه و استفاده قرار گرفت. با تأکید بر انتخاب بستر مناسب، همسوسازی^۶ داده‌های حاصل از نتایج مصاحبه، با پژوهش‌های پیشین در حوزه مسائل روان‌شناختی و افراد عادی در قرنطینه و همچنین تجارب زوجین و مشارکت و تعامل نزدیک و مستمر و درگیر کردن مشارکت‌کنندگان در امر تفسیر، مراجعه مجدد به آنان و نیز مشخص نمودن هرچه واضح‌تر مراحل و چگونگی فرایندها به منظور سهولت در بررسی و درک آن توسط دیگران به این مهم پرداخته شد تا از اعتبار و صحت مطالعه، هر چه بیشتر اطمینان حاصل گردد. رضایت‌نامه برای انجام مصاحبه‌ها و ضبط آنها، ورود و خروج داوطلبانه شرکت‌کنندگان، محفوظ ماندن نام و شماره‌ها و نشانی افراد از شرکت‌کنندگان به صورت کتبی اخذ شد. همچنین، مصاحبه‌های ضبط شده به طور کامل پیاده‌سازی شدند و نگارش کامل آنها انجام شد. پیاده‌سازی و نگارش مصاحبه‌ها توسط نویسندگان مقاله انجام شد.

1. Van Manen

2. Colaizzi

3. Credibility

4. Lincoln & Guba

5. Cope

6. triangulation

یافته ها

در مجموع ۱۲ زوج که در زمان قرنطینه در کنار هم بودند در پژوهش شرکت کردند. میانگین سن مشارکت کنندگان زن ۳۴/۵ سال و انحراف معیار آن ۸/۲ و میانگین سن مردان ۳۹/۶ سال و انحراف معیار ۱۰/۱ بود. تحصیلات آنها نیز در بازه دیپلم تا دکتری قرار داشت. هر مصاحبه از ۴۵ تا ۶۰ دقیقه، به طول انجامید. میانگین مدت زمان مصاحبه ها ۵۱ دقیقه و انحراف معیار آن ۵/۸ بود. اطلاعات از مصاحبه با مشارکت کنندگان، محصول تجربه آنها در دوران قرنطینه بود که بر اساس پایه علمی تحقیقات کیفی بیان شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

کد مشارکت کننده	سن مرد/زن	تحصیلات مرد/ زن	شغل مرد/ زن	مدت زمان ازدواج (سال)	تعداد فرزندان
م ۱	۳۴/۴۰	دکتری / کارشناسی ارشد	مدرس / کارمند	۵	۰
م ۲	۳۱/۳۳	کارشناسی / ارشد	معلم / معلم	۶	۰
م ۳	۵۱/۵۷	ارشد / ارشد	مهندس / دانشجو	۲۶	۲
م ۴	۲۵/۳۶	کارشناسی / کارشناسی	کارمند بانک / خانه دار	۷	۱
م ۵	۲۶/۲۷	ارشد / ارشد	کامند / معلم	۵	۰
م ۶	۳۳/۳۵	کارشناسی / کارشناسی	معلم / خانه دار	۸	۱
م ۷	۲۹/۳۰	کارشناسی / کارشناسی	کارمند / حسابدار	۶	۰
م ۸	۴۶/۵۲	دیپلم / دیپلم	پرده فروش / خانه دار	۲۳	۲
م ۹	۳۱/۳۴	ارشد / کارشناسی	مدرس / خانه دار	۸	۰
م ۱۰	۳۹/۴۲	کارشناسی / کارشناسی	مهندس / خانه دار	۱۱	۲
م ۱۱	۴۴/۵۸	دیپلم / دیپلم	مغازه دار / مغازه دار	۱۴	۲
م ۱۲	۲۶/۳۲	ارشد / ارشد	معلم / معلم	۴	۰

بر مبنای تحلیل و طبقه بندی مفاهیم استخراج شده از داده های انطباق پذیری روجین در قرنطینه بر اساس نوع واکنش آنها نسبت به شرایط بحرانی به وجود می آید. در مجموع از تعداد ۱۲ مصاحبه، ۳۶۲ کد اولیه، ۲۸ مفهوم اولیه، ۱۰ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی شامل "پویایی های تعاملی"، "پاسخگو بودن"، "انسجام" و "یکپارچگی" استخراج شد که در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
پویایی های تعاملی	حل مسالمت آمیز اختلافات حرمت نگه داشتن منصف بودن	منطقی بحث کردن - پذیرش اشتباهات - عذر خواهی کردن - انعطاف - تاب - آوری رعایت حد و حدود - مدارا کردن تعدیل خواسته - رعایت حقوق یکدیگر
پاسخگو بودن	مراقبت کنندگی مسئولیت پذیری همبستگی	اهمیت به اوضاع روحی همسر - نگران سلامتی خانواده بودن - دلسوزی کردن سازش با شرایط بحرانی - مسئول بودن در قبال هم
انسجام	هدف مندی نزدیکی روحی	هدف شخصی - اهداف و اقدامات مشترک - استفاده بهینه از زمان یک دل شدن - حمایت عاطفی - توکل بر خداوند
یکپارچگی	خلاقیت	توجه به جنبه های مثبت - شوخ طبعی

پویایی‌های تعاملی

همهانگ بودن زن و شوهر در نوع نیازها و روش‌هایی که برای ارضای آنها وجود دارد، جلوگیری از ویژگی‌ها و خصوصیات خود محورانه، رفتار مسئولانه و کاستن از اختلافات در خواسته‌ها و بسیاری دیگر از عوامل موجب از بین رفتن تعارضات زناشویی است. حل مسالمت آمیز مسایل پیش آمده می‌تواند به زوجین کمک کند تا روابط سالم تری را تجربه کرده و همدیگر را دوست داشته باشند. درواقع حفظ صمیمیت زناشویی در دوره‌ها بحرانی از ویژگی‌ها و شاخص‌های خانواده سالم است. مصاحبه‌شوندگان منطقی بحث کردن، پذیرش اشتباهات، عذرخواهی کردن و انعطاف را از شاخص‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌دانستند.

زمانی که زن و شوهر احساس نکنند یکی بر دیگری ارجحیت و برتری دارد و به اصطلاح به دنبال کسب قدرت و برتری طلبی نباشند، رضایت زناشویی حاصل می‌شود. مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که هیچ موقع سعی نمی‌کنند که حرمت همدیگر را زیر سوال ببرند و به همدیگر بی‌احترامی کنند. درواقع اگر هم مشاجره‌ای بین‌شان رخ دهد این امر باعث رد کردن خط قرمزها و حریم‌ها نمی‌شود. در ادامه زوجین مشارکت‌کننده در این پژوهش تعدیل خواسته‌ها و رعایت حقوق متقابل یکدیگر را از شاخص‌های منصف بودن، به حساب آوردند. اعضای خانواده برای آنکه کارکرد مؤثری داشته باشند، باید مسئولیت اخلاقی رفتارهای خویش در برابر یکدیگر را بپذیرند و یاد بگیرند حقوق و تکالیف متقابل یکدیگر را رعایت نمایند. آنها معتقد بودند زندگی زناشویی سراسر ایثار و از خودگذشتگی است و این صفت است که زندگی را حفظ می‌کند. زندگی که از این نوع صفات رنگ و بویی نبرده باشد محکوم به شکست و از هم پاشیدن است.

پاسخگو بودن

پاسخگو بودن بین زوج‌ها از ابعاد مهم انطباق پذیری در نظر گرفته شده و به معنای توجه به خواسته‌های طرف مقابل و تلاش برای برآورده کردن تعریف شده است و شامل مقوله‌های مراقبت‌کنندگی و هم بستگی است. این مقوله‌ها نشانگر تعادل بلندمدت و نوسان دار عدالت ورزی در میان اعضای خانواده و به ویژه در زیرمنظومه زن و شوهری است که هر عضو از آن طریق، مراقب و پاسخگوی رفاه دیگری است. از دید اکثر مصاحبه‌شوندگان مراقبت‌کنندگی از مولفه‌های اصلی در شرایط بحرانی است که شامل مراقبت جسمی و مراقبت روحی از شریک زندگی است. برخی اوقات تعارضات و مشکلات زناشویی زمانی به وجود می‌آید و پدیدار می‌شود که اعتماد و دلسوزی در خانواده و روابط بین فردی افت می‌کند.

مقوله مسئولیت پذیری به این امر اشاره داشت که مشارکت‌کنندگان پژوهش در مواجهه با شرایط بحرانی توانسته بودند که خود را سازگار کنند و علاوه بر این در قبال همدیگر، برای حفظ روحیه، حفظ سلامت جسمی و روانی خانواده و همسرشان احساس مسئولیت می‌کردند.

هم بستگی از مولفه‌های بعدی انطباق است که شامل وقت گذاشتن برای یکدیگر، مشارکت در کارها، مشوق هم بودن و قدرانی متقابل است. این مراقبت، رسیدگی و تیمارکردن یکدیگر یکی از مولفه‌هایی بود که مشارکت‌کنندگان آن را به عنوان کاتالیزور روابط می‌دانستند. اینکه هنوز برای یکدیگر مهم هستند و برای یکدیگر تکراری نشده‌اند.

انسجام

مصاحبه‌شوندگان به موضوعاتی با محوریت هدف مندی، مسئولیت پذیری و نزدیکی روحی در ایام قرنطینه اشاره کردند. هدفمندی از مفاهیمی بود که خود شامل اهداف فردی و اهداف مشترک و استفاده بهینه از زمان بوده است. زوجین با برنامه ریزی درست در اوقات فراغت خود سعی کردند شرایط را به سمت بهتر شدن سوق دهند. دنبال کردن اهداف شخصی به آنها کمک کرده بود تا پویایی و سرزندگی را حفظ کنند و ایجاد اهداف مشترک و دوجانبه، سرزندگی رابطه زناشویی را موجب می‌شد.

انجام فعالیت‌ها و مراسم مختلف و مشترک یکی از راهکارهای زوجینی بود که در دایره قرنطینه خانگی محدود شده بودند. وقت گذرانی با هم و فرصت گفتگو بیشتر از خصوصیات بود که آنها مکرراً اشاره می‌کردند.

نزدیکی روحی و معنوی نیز مقوله دیگری بود که شامل مفاهیمی همچون یک دل شدن، حمایت عاطفی و توکل بر خداوند بود. نزدیکی روحی با مفاهیمی همچون اطمینان خاطر دادن، دل گرمی دادن، لذت در کنار هم بودن و رفیق بودن، هوای همدیگر را داشتن، محبت کردن و اهمیت دادن به مفهومی همچون حمایت عاطفی شبیه است.

توکل بر خداوند و اعمال و مناسک معنوی و مذهبی فشار های روانی را کاهش می دهد و موجب آرامش فرد می شود و در واقع یکی از راهکار های سازگاری با اوضاع سخت است و با مفاهیمی همچون درد دل کردن با خدا، بی ارزش بودن دنیا، امتحان الهی و پذیرش هر چیزی خارج از اراده و کنترل ارتباط دارد.

یکپارچگی

مصاحبه شوندگان به موضوعاتی با محوریت خلاقیت و همدلی در ایام قرنطینه اشاره کردند. اولین مفهوم در رسیدن به یکپارچگی بین زوجین توجه به جنبه های مثبت، و شوخ طبعی بود. تاثیر واقع استرس را بر سطح استرس و نگرانی خانواده، به تفسیر آن ها از واقعه مورد نظر بستگی دارد. این تفسیر، می تواند در دامنه ای از مثبت اندیشی تا منفی بافی در نوسان باشد. از جمله خرده مقوله ها و مصادیقی که در ارتباط با یکپارچگی، در این مطالعه، بدست آمد، می توان به: برداشت مثبت از بیماری کرونا، باورپیدا کردن به قدرت ذهن، عدم نشخوار فکری به کرونا، عدم منفی گرایی، متوقف ساختن افکار منفی، عدم فاجعه انگاری درباره کرونا، فکر نکردن به گذشته، کاهش افکار نگران کننده، داشتن فکر آزاد، تلقین نکردن و عدم پافشاری برای موارد غیر ضروری اشاره کرد. زوجین و در کل خانواده هایی که قادرند واقعه ای استرس زا را به شکل مثبتی تعریف و شکل دهی کنند، با بحران ها بهتر می توانند کنار بیایند و آن را نظارت کنند.

مرور خاطرات مشترک و شیرین گذشته از عواملی بود که در شکل گیری افکار امید بخش به جای یاس و ناامیدی موجب تحریک نشاط در زوجین در قرنطینه شده بود. یکی دیگر از مقوله های اصلی که در این مطالعه بدست آمد، تغییرات مثبتی بود که از زمان شیوع بیماری کرونا تا به الان، در ساختار خانواده های مشارکت کننده ها و به خصوص در نگرش ها، ارزش ها و باورهای آنان بوجود آمده بود. از جمله خرده مقوله ها و مصادیقی که در ارتباط با تغییرات مثبت خانواده و زوجین، در این مطالعه، بدست آمد می توان به: پی بردن به ارزش انسان ها، غنیمت دانستن عمر، اتمام کارهای ناتمام، پرنرنگ شدن لذت های کوچک، زندگی در حال و شوخ طبعی اشاره کرد.

بحث و نتیجه گیری

مضامین به دست آمده از مصاحبه با شرکت کنندگان، تلاشی در جهت رسیدن به هدف اصلی مطالعه یعنی جستجو، کشف و تفسیر تجارب زوجین از مولفه ها و عناصر مثبت و سازنده در روابط شان در همه گیری کووید - ۱۹ و حضور در در قرنطینه خانگی به دلیل شیوع ویروس کرونا بود که به منظور کسب بینش عمیق تر و غنی تر در مورد این پدیده انجام شد. مضامین به دست آمده در ادامه مورد تبیین و بحث قرار خواهند گرفت.

اولین مضمون اصلی به دست آمده در این پژوهش «پویایی های تعاملی» بود. در این زمینه می توان گفت از دیدگاه روانشناختی، انسان انطباق یافته به کسی اطلاق می شود که توانایی و قدرت پردازش صحیح اطلاعات را دارد و چون قادر به انجام چنین کاری است، نظام ارزشی واقع بینانه برای خود تنظیم می کند تا تحت تاثیر نوسانات روانی و اختلاف با دیگران دچار آسیب نشود (فیرکلوز، شرمرون، میشل، کامینگز و کامینگز^۱، ۲۰۱۱). واکنش سازنده زوجین در جهت حل تعارض از اهمیت ویژه ای برخوردار است در تبیین این یافته می توان به پژوهش های چندی استناد کرد. برای مثال حصیم، مصطفی و هاشم^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان داد اگر زوجین از الگوی تعاملی سازنده استفاده کرده و رابطه شان راضی باشند، هنگام درگیری واکنش مثبت نشان خواهند داد. سازنده بودن در هنگام اختلافات زناشویی منجر به نتیجه بهتر می شود و رضایت زناشویی و ثبات روابط را افزایش می دهد (کارنی، استوری و بردبوری^۳، ۲۰۰۵؛ عبدالله، حسن، هارون، نایان، احمد و روسلی^۴، ۲۰۱۷). در یک رابطه هماهنگ، همسران می توانند انتظارات خود را از طریق ارتباطات، روشن کنند. آنها می توانند افکار و احساسات شخصی را بیان کنند، که ممکن است منجر به احساس صمیمیت بیشتر شود. همچنین جتر و برانون^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی انواع عذر خواهی در فرایند بخشش متقابل زوجین پرداختند که نشان دهنده یکی از مولفه های انطباق یابی می باشد. خانواده ها ممکن است تاب آوری را تجربه کنند که نه تنها توانایی بقا، بلکه رشد در مواجهه با فاجعه هارا در خود پرورش دهند (کالهن و تدیشی، ۲۰۱۴) که این مورد نیز گویای اهمیت تاب آوری در مواجهه با حوادث ناگواری است که در چرخه زندگی به

1. Faircloth, Schermerhorn, Mitchell, Cummings, & Cummings

2. Hasim, Mustafa & Hashim

3. Karney, Story & Bradbury

4. dullah, Hassan, Harun, Nayan Ahmad & Rosli

5. Jeter & Brannon

وقوع می‌پیوندد. انعطاف یکی دیگر از جنبه‌های خانواده توانا است؛ یعنی خانواده توانا می‌تواند حتی در شرایط ناگوار، کارکرد روانشناختی و فیزیکی نسبتاً با ثباتی داشته باشد و این کارکرد را حفظ کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۲۰۱۳).

دومین مضمون بدست آمده در انطباق پذیری زوجین در قرنطینه «پاسخگو بودن» شریک زندگی بود. این مضمون شامل مراقبت-کنندگی و همبستگی است. درک شریک زندگی به عنوان پاسخگو بودن به خود، جهت عملکرد اجتماعی سالم ضروری به نظر می‌رسد (سلچر و شوبی^۲، ۲۰۱۷؛ میکولینسر، شاور و برنت^۳، ۲۰۱۳). حفظ روابط نزدیک (ریز، لمای و فینکنویر^۴، ۲۰۱۷) و و صمیمیت (لورنسو، باررت و رووین^۵، ۲۰۰۵) در توسعه و حفظ روابط تأثیر می‌گذارد. افرادی که شریک زندگی خود را به عنوان اشخاص پاسخگو تلقی می‌کنند، تمایل دارند که بتوانند احساسات منفی را بهتر تنظیم کرده و در رابطه خود احساس امنیت بیشتری نمایند (سلچر و شوبی^۲، ۲۰۱۷) و همچنین راضی تر و متعهد تر برای حفظ روابط خود در طول زمان پیش بروند. احساس پاسخگویی شریک زندگی ممکن است با تسهیل تجربیات صمیمانه و ارتباطات باز (مان و همکاران^۶، ۲۰۱۸)، حتی در مواقع استرس (ویلیامسون، کارنی و بدبوری^۷، ۲۰۱۳) مفید باشد. پاسخگویی شریک زندگی، باعث می‌شود افراد احساس امنیت کنند و نیازها و آسیب پذیری‌های خود را نسبت به شرکای خود نشان دهند (کلاک و لمای^۸، ۲۰۱۰) و می‌تواند به ارتقاء اعتماد به نفس مبنی بر اینکه شریک زندگی مایل به ارائه پشتیبانی است، کمک کند که ممکن است در برابر پیامدهای منفی استرس زا، مانند موارد مرتبط با همه گیر ی کرونا محافظت کند. یک رابطه صمیمانه با کیفیت بالا می‌تواند یک منبع عظیم در مقابله با عوامل استرس زا مربوط به کرونا ویروس باشد، با توجه به اینکه روابط نزدیک حمایتی از قوی ترین پیش بینی کننده های سلامت و رفاه هستند (هولت-لاستاد، اسمیت و لایتون^۹، ۲۰۱۰؛ پیترموناکو و بک^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ پیترموناکو و کولینز^{۱۱}، ۲۰۱۷). مسئولیت پذیری به این معناست که هر شریک زندگی باید نقش خود را انجام دهد. به عبارت دیگر، تمرکز کم تر بر آنچه که همسر آن‌ها باید یا می‌تواند انجام دهد و تمرکز بیشتر بر آنچه که تحت کنترل خودشان است و آنچه که آن‌ها می‌توانند برای حفاظت و تقویت رابطه خود انجام دهند، بیانگر این نوع پاسخگویی است (استنلی، رودس و ویتون^{۱۱}، ۲۰۱۰).

مضمون بعدی حاصل از یافته‌ها «انسجام» بود. می‌توان گفت یکی از عوامل موثر در انطباق پذیری با شرایط، انسجام زوجین است و از ویژگی عملکردی بالا خانواده به حساب می‌آید و شامل هدفمندی، مسئولیت پذیری و نزدیکی روحی است. دیموند^{۱۲} (۲۰۱۶) در پژوهشی کیفی سه مقوله برای معنا بخش بودن زندگی استخراج شده است که یکی از آن هدفمندی است. راولینز (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی کیفی راهبردهای مقابله با بحران در زنان را مورد پژوهش قرار داد و پنج مقوله برای سازگاری آنان به دست آورد که یکی از منابع احساس مسئولیت است. امنیت عاطفی جوهر چیزی است که زوجین در یک رابطه پایدار و دوست‌داشتنی می‌خواهند؛ این به آن معنی است که دو نفر نه تنها می‌توانند به خوبی به مسائل رسیدگی کنند بلکه احساس حمایت و مراقبت نیز بکنند (استنلی و مارکمن، ۲۰۲۰). همچنین مطابق یافته‌های این پژوهش یادخداوند تأثیر مثبت غیر قابل انکاری در ارتقای سطح سازگاری زناشویی دارد. در واقع، وقتی افراد این احساس را داشته باشند که در تاریکترین لحظات زندگی تنها نیستند و خدا همیشه و همه جا با آنها همراه است، احساس شادی و کم شدن فشار روانی در آنها اوج می‌گیرد و چه بسا از سردرگمی و درماندگی رها میشوند. و با مفهوم استخراج شده توکل بر خدا هم سو است مناسب مذهبیه مانند دعا و نیایش در ماهیت شناختی، نوعی مقابله معنوی می‌باشد و نقش جدایی‌ناپذیری در مقابله افراد با حوادث استرس‌زا ایفا می‌کند (شهابی و بحرینیان، ۱۳۹۲).

مضمون نهایی استخراج شده در این پژوهش کیفی «یکپارچگی» بود که شامل مولفه‌های خلاقیت و همدلی است. همچنین می‌توان گفت داشتن تفسیر و درک مثبت از کرونا موجب بهبود حال روانی افراد می‌شود. درک درست از کرونا و حفظ انگیزه قوی برای پیشگیری،

1. Goldenberg & Goldenberg
2. Slatcher & Schoebi
3. Mikulincer, Shaver & Berant
4. Reis, Lemay & Finkenauer
5. Laurenceau, Barrett & Rovine
6. Mane et al.
7. Williamson Karney & Bradbury
8. Clark & Lemay
9. Holt-Lunstad, Smith & Layton
10. Pietromonaco & Beck
11. Stanley Rhoades & Whitton
12. Dimond

می‌تواند رفتارهای بهداشتی، مهارت‌های پیچیده و جدید رفتاری را ارتقا دهد. درک مثبت از مداخلات با کاهش استرس نیز ارتباط دارد (لو، یو، ژائو، یان و ژانگ^۱، ۲۰۲۰). در همین راستا نتایج پژوهش کویین و همکاران^۲ (۲۰۱۴)؛ به نقل از اندرسون و کیتینگ^۳، ۲۰۱۸) که در ارتباط با سازگاری همسران به دنبال سکنه مغزی شریک زندگی خود و نحوه سازگار آنها می‌شود حاکی از آن است که مولفه القای مثبت و امید با مفهوم توجه به جنبه‌های مثبت هم راستا است. شناسایی و تقویت تجربیات مثبت باعث افزایش رضایت از زندگی مراقب و کیفیت زندگی می‌شود. شوخ طبعی از دیرباز به عنوان روشی برای مقابله و سازگاری با مصیبت، از دیرباز زندگی روزمره گرفته تا وقایع مهم ناخوشایند زندگی مورد استفاده قرار گرفته است؛ شوخ طبعی باعث افزایش رضایت در روابط می‌شود. تفکر آینده‌گرا مانند برنامه‌ریزی برای نگاه رو به جلو یا اهدافی که در آینده به دست می‌آید نیز می‌تواند محافظ بهزیستی زناشویی زوجین باشد (لو و داوون^۴، ۲۰۲۰).

در جمع بندی این بخش می‌توان بیان کرد که انطباق پذیری را می‌توان به عنوان نشان دادن واکنش سازنده به مقتضیات رابطه زناشویی و حوزه‌های تعارض تعریف کرد و در همین حین زوجین ممکن است، شرایط بحرانی مانند به دنیا آمدن فرزند، از دست دادن یک عزیز یا شیوع یک بیماری عفونی مانند کرونا را تجربه کنند. این شرایط بحرانی استراتژی‌هایی را می‌طلبد که زوجین بتوانند در کنار یکدیگر زندگی آرامی را تجربه کنند. اگرچه بحران‌های این چنینی به سلامت و رفاه افراد آسیب رسانده‌است و منجر به دوره طولانی عدم قطعیت در مورد آینده شده‌است، اما ممکن است پیامدهای مثبتی در انگیزه مردم برای حفاظت از روابط خود داشته باشد. در پایان نویسندگان مقاله، از تمامی مشارکت کنندگانی که در انجام این پژوهش همکاری داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

- پروچسکا، جیمز. ا و نورکراس، جان. سی (۲۰۱۳). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه هامایاک آوادیس یانس (۱۳۹۵). تهران: انتشارات رشد.
- شهابی زاده، فاطمه و بحرینیان، سید عبدالمجید (۱۳۹۲). ارائه مدل علی راهبرد مقابله معنوی در بحران، مذهبی بودن والدین و دلبستگی ادراک شده دوران کودکی. *فقه پزشکی*، ۱ (۱۵)، ۹۵ - ۱۱۸.
- مومنی، خدامراد؛ کاووسی امید، سکینه و امانی، رزیتا (۱۳۹۴). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده، و صمیمیت زناشویی. *آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۱ (۲)، ۴۶-۵۸.
- Abdullah, N. H., Hassan, N. A., Harun, A. S. A., Nayan, L. M., Ahmad, R., & Rosli, M. M. (2017). Conflict management among malay married couples: An analysis on their strategies & tactics. *Asian Social Science*, 13(10), 95-103.
- Anderson, S., & Keating, N. (2018). Marriage after the transition to stroke: a systematic review. *Ageing and Society*, 38(11), 2241-2279.
- Badr, H., & Ahmad, Z. (2020). Couple-Relationships and Cancer Adaptation. *The Wiley Encyclopedia of Health Psychology*, 81-88.
- Brock, R. L., & Laifer, L. M. (2020). Family science in the context of the COVID-19 pandemic: Solutions and new directions. *Family process*, 59(3), 1007-1017.
- Calhoun, L. C., & Tedeschi, R. C. (2014). Expert companions: Posttraumatic growth in clinical practice. In *Handbook of posttraumatic growth* (pp. 305-324). Routledge.
- Chu, I. Y. H., Alam, P., Larson, H. J., & Lin, L. (2020). Social consequences of mass quarantine during epidemics: a systematic review with implications for the COVID-19 response. *Journal of travel medicine*, 27(7), taaa192.
- Clark, M. S., & Lemay, J. E. P. (2010). Close relationships. In S. T. Fiske, D. T. Gilbert, & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of social psychology* (Vol. 2, 5th ed., pp. 898-940). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
- Cohan, C. L., & Cole, S. W. (2002). Life course transitions and natural disaster: Marriage, birth, and divorce following Hurricane Hugo. *Journal of Family Psychology*, 16(1), 14.
- Cope, D. G. (2014, January). Methods and meanings: credibility and trustworthiness of qualitative research. In *Oncology nursing forum* (Vol. 41, No. 1).
- Dimond, J. E. (2016). Writing Life Stories: A Phenomenological Study of Memory and Meaning for People with Early Stage Alzheimer's Disease.
- Doom, J. R., Cicchetti, D., In Harkness, K., & Hayden, E. P. (2018). The developmental psychopathology of stress exposure in childhood. *The Oxford handbook of stress and mental health*, 265-285.

1 . Luo, Yao, Zhou, Yuan & Zhong

2 . Quinn et al

3 . Anderson & Keating

4 . Liu & Doan

Investigation of Adaptability Components of couples in Corona Pandemic crisis: A qualitative study

- Faircloth, W. B., Schermerhorn, A. C., Mitchell, P. M., Cummings, J. S., & Cummings, E. M. (2011). Testing the long-term efficacy of a prevention program for improving marital conflict in community families. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 32(4), 189-197.
- Galea, S., Merchant, R. M., & Lurie, N. (2020). The mental health consequences of COVID-19 and physical distancing: the need for prevention and early intervention. *JAMA internal medicine*, 180(6), 817-818.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2013). Family therapy an overview (Eighth). *United States: Brooks/Cole Cengage Learning*.
- Gunthe, S. S., Swain, B., Patra, S. S., & Amte, A. (2020). On the global trends and spread of the COVID-19 outbreak: preliminary assessment of the potential relation between location-specific temperature and UV index. *Journal of Public Health*, 1-10.
- Günther-Bel, C., Vilaregut, A., Carratala, E., Torras-Garat, S., & Pérez-Testor, C. (2020). A Mixed-method Study of Individual, Couple, and Parental Functioning During the State-regulated COVID-19 Lockdown in Spain. *Family process*, 59(3), 1060-1079.
- Hasim, M. J. M., Mustafa, H., & Hashim, N. H. (2015, November). Exploring new patterns of interaction during conflict among married individuals in Malaysia. In *second International Conference on Media, Communication and Culture (ICMCC 2015)*, Penang, Malaysia.
- Holt-Lunstad, J., Smith, T. B., & Layton, J. B. (2010). Social relationships and mortality risk: a meta-analytic review. *PLoS medicine*, 7(7), e1000316.
- Jeter, W. K., & Brannon, L. A. (2018). 'I'll Make It Up to You': Examining the effect of apologies on forgiveness. *The Journal of Positive Psychology*, 13(6), 597-604.
- Karney, B. R., Story, L. B., & Bradbury, T. N. (2005). Marriages in Context: Interactions Between Chronic and Acute Stress Among Newlyweds.
- Laurenceau, J. P., Barrett, L. F., & Rovine, M. J. (2005). The interpersonal process model of intimacy in marriage: a diary and multilevel modeling approach. *Journal of family psychology*, 19(2), 314.
- Lebow, J. L. (2020). Family in the age of COVID-19. *Family process*, 59 (2), 309-312.
- Lewandowski, G. (2020). Will the pandemic ruin your relationship. Retrieved, from <https://www.psychologytoday.com/us/blog/the-psychology-relationships/202005/will-the-pandemic-ruin-your-relationship>. Accessed June, 13, 2020.
- Liu, C. H., & Doan, S. N. (2020). Psychosocial stress contagion in children and families during the COVID-19 pandemic. *Clinical Pediatrics*, 59(9-10), 853-855.
- Luo, Y., Yao, L., Zhou, L., Yuan, F., & Zhong, X. (2020). Factors influencing health behaviours during the coronavirus disease 2019 outbreak in China: an extended information-motivation-behaviour skills model. *Public Health*, 185, 298-305.
- Manne, S., Kashy, D. A., Zaider, T., Lee, D., Kim, I. Y., Heckman, C. ... & Virtue, S. M. (2018). Interpersonal processes and intimacy among men with localized prostate cancer and their partners. *Journal of Family Psychology*, 32(5), 664.
- Manne, S., Ostroff, J., Rini, C., Fox, K., Goldstein, L., & Grana, G. (2004). The interpersonal process model of intimacy: The role of self-disclosure, partner disclosure, and partner responsiveness in interactions between breast cancer patients and their partners. *Journal of Family Psychology*, 18(4), 589.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Berant, E. (2013). An attachment perspective on therapeutic processes and outcomes. *Journal of personality*, 81(6), 606-616.
- Olson, D. H., Bell, R., & Portner, J. (1992). *Family adaptability and cohesion evaluation scales*. FACES-II, Family Inventories Manual Life Innovations, Minneapolis, MN.
- Pfefferbaum, B., & North, C. S. (2020). Mental health and the Covid-19 pandemic. *New England Journal of Medicine*, 383(6), 510-512.
- Pietromonaco, P. R., & Beck, L. A. (2019). Adult attachment and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 25, 115-120.
- Pietromonaco, P. R., & Collins, N. L. (2017). Interpersonal mechanisms linking close relationships to health. *American Psychologist*, 72(6), 531.
- Pietromonaco, P. R., & Overall, N. C. (2020). Applying relationship science to evaluate how the COVID-19 pandemic may impact couples' relationships. *American Psychologist*.
- Prime, H., Wade, M., & Browne, D. T. (2020). Risk and resilience in family well-being during the COVID-19 pandemic. *American Psychologist*, 75 (5), 631-643.
- Rawlins, R. N. (2012). *African/Caribbean-Canadian women coping with divorce: Family perspectives*. University of Toronto (Canada).
- Rolland, J. S. (2020). COVID-19 Pandemic: Applying a Multisystemic Lens. *Family process*, 59(3), 922-936.
- Roman, N. V., Mthembu, T. G., & Hoosen, M. (2020). Spiritual care-'A deeper immunity'-A response to Covid-19 pandemic. *African Journal of Primary Health Care & Family Medicine*, 12(1).
- Sim, M. R. (2020). The COVID-19 pandemic: major risks to healthcare and other workers on the front line.
- Singh, R., & Sim, T. (2021). Families in the Time of the Pandemic: Breakdown or Breakthrough? *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*, 42(1), 84-97.
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the links between marital quality and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152.

- Spitz, R. (1945). Hospitalism; an inquiry into the genesis of psychiatric conditions in early childhood. *Psychoanal Study Child.*;1:53-74. PMID: 21004303.
- Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2020). Helping couples in the shadow of COVID-19. *Family process*, 59(3), 937-955.
- Stanley, S. M., Rhoades, G. K., & Whitton, S. W. (2010). Commitment: Functions, formation, and the securing of romantic attachment. *Journal of family theory & review*, 2(4), 243-257.
- Van Bavel, J. J., Baicker, K., Boggio, P. S., Capraro, V., Cichocka, A., Cikara, M., ... & Willer, R. (2020). Using social and behavioural science to support COVID-19 pandemic response. *Nature human behaviour*, 4(5), 460-471.
- Van Manen, M. (2006). Writing qualitatively, or the demands of writing. *Qualitative health research*, 16(5), 713-722.
- Webster, R. K., Brooks, S. K., Smith, L. E., Woodland, L., Wessely, S., & Rubin, G. J. (2020). How to improve adherence with quarantine: rapid review of the evidence. *Public Health*, 182, 163-169.
- Wilcox, B. W. (2011). The great recession and marriage. national marriage project report web release. Charlottesville, VA: *National Marriage Project. Corresponding author's address Chenthuran Jayachandiran PhD Student University of Iowa, 105, 52242-1498.*
- Williamson, H. C., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2013). Financial strain and stressful events predict newlyweds' negative communication independent of relationship satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 27(1), 65.
- Wright, M. O. D., Masten, A. S., & Narayan, A. J. (2013). Resilience processes in development: Four waves of research on positive adaptation in the context of adversity. In *Handbook of resilience in children* (pp. 15-37). Springer, Boston, MA.